# اخبار كوتاه

## نمایشگاه عکس عاشورا در "بندرعباس" برگزار می شود

نمایشگاه عکس عاشورا همزمان با اربعین حسینی در "بندرعباس"

انجمن سینمای جوانان دفتر بندرعباس به منظور ارج نهادن به مقام شامخ سرور و سالار شهیدان امام حسین (ع)و یاران باوفایش،نمایشگاه عکس عاشورا را ۹ اسفند مصادف با اربعین حسینی برگزار می کند . به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان "خداکریمی مسئول انجمن سینمای جوانان دفتر بندرعباس به خبرنگار ما گفت : قبل از ماه محرم فراخوان عکس عاشورا در استان توزیع شد و از عکاسان دعوت بعمل آمد آثار خود را پس از ایام عزادآری به انجمن سینمای جوانان تحویل

مسئول انجمن سینمای جوانان دفتر بندرعباس در ادامه افزود: با توجه به حجم زیاد آثار رسیده پس از داوری عکس های برگزیده در نگارخانه فرهنگسرای طوبی به نمایش عموم گذاشته می شود .بر اساس این گزارش نمایشگاه عاشورا از تاریخ ۹ اسفند مآه به مدت ده روز در نگارخانه فرهنگسرای طوبی برگزار می شود.

### نمایشگاه عکس های هفتمین جشنواره سراسری عکس آبرنگ در "هرمزگان"

عکس های هفتمین جشنواره سراسری عکس آبرنگ از تاریخ ۱٦ الی ۲۱ بهمن ماه ۸٦ در نگارخانه فرهنگسرای طوبی به نمایش درآمد. به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان "خداکریمی" مسئول انجمن سینمای جوانان دفتر بندر عباس در این خصوص به خبرنگار ما گفت: جشنواره عکس آبرنگ هر ساله در مشهد برگزار می شود و نظر به این که کارهای راه یافته در بخش نهایی این جشنواره از کیفیت و سطح بالایی برخوردار بود طی هماهنگی های انجام شده شرایط لازم جهت نمایش آثار در بندرعباس فراهم گردید . وی در ادامه افزود : همزمان با برگزاری نمایشگاه ،ورک شاپ آموزشی با حضور اساتید برجسته اسماعیل عباسی و کیارنگ اعلائی برگزار شد و در خصوص مبانی پایه عکس دیجیتال و فتوژورنالیسم صحبت گردید و روز بعد هنر جویان به همراه اساتید در اردوی یک روزه جزیره هرمز شرکت کرده وعلاوه برعکسبرداری ،آموزش های لازم در خصوص کادربندی،انتخاب سوژه و چگونگی کاربرد دوربین دیجیتال به

### بازدید معاونین اداری و مالی و برنامه ریزی و نظارت سازمان از فیلم "فاصله"

🗸 بنا به گزارش روابط عمومی صدا و سیمای مرکز خلیج فارس ؛ "تقدس نژاد" معاون اداری و مالی و دکتر "صوفی" معاون برنامه ریزی و نظارت سازمان که برای حضور در همایش معاونین اداری و مالی و مدیران اطلاعات و برنامه ریزی سازمان به استان سفر کرده بودند با حضور در مرکز وبازدید از واحدهای مختلف این مرکز از پشِت صحنه فیلم سینمایی فاصله بازدید کردند و ضمن آشنایی با چگونگی تولید این برنامه و مراحل ساخت آن از زحمات مدیرکل مرکز و عوامل تهیه و تولید تقدیر و تشکر کردند . خاطرنشان مى شود؛ فيلم سينمايي فاصله كه همزمان با ايام اله دهه مبارك فجر با حضور نصرت ا... مجتبی زاده مدیرکل مرزک خلیج فارس کلید خورد با محوریت پرورش ماهی در قفس کار می شود که کارگردانی این فیلم داستانی بلند را "بهرام صادقی مزیدی" بر عهده دارد.

تازه نفسها

رفتنت دورترین سفر بود

سنگ وسبو!

سنگ و سبو به هم زنر ،وقت لقای عشق تو

ریده پر غمزه ی من، در طرب وصال تو

شوق شبای عشق من، با صفت ثنای تو

رلع به شوق روی تو، به عشق آن وجور تو

بان زرل مارور، وقت نماز ناز تو

شاری و آن نشاط من،ار زانی نگاه تو

کعبه و میفانه من ، سایه و آن صرای تو

شره زهر جاروان ،در طلب سمور تو

الماک پرسپولیس

تجاری - مسکونی

مشاور در خرید ، فروش ، رهن و اجاره ؛ زمین ، آپارتمان و سوئیت

تلفن: ۸۱ - ۳۵۵۱۷۸۰ عرب ۲۶۳۶۶۴ - ۹۹۱۷

آدرس: بندرعباس ، انتهای رسالت شمالی ، آزاد شهر خیابان سپاه

[مژگان حمزه لویی]

[فرشته کیانی مهر]

آبی که ریفتع پش<mark>ت سرت آفرین</mark> گذر بور

برنگشتی متی نگام کنی

بيا به فوابع، به التماسم

به مر<mark>مت عشق بابائی</mark>

یه عالم چشام پر از اشکه

ريله مسرم تموم شره

رفتی سفر،برون فبر دل بی فبر

همه لعظه ها بي تو عروم شره

نره عزابع

يەرنيارلم تنگه

بایه ریر لفظه ای ورام کنی



موج ها خشمگینانه خود شونو به لنج می کوبیدند و باعث [مهسازرگر - قشم]

هوا خیلی سرد شده بود ،باد نسبتاً ملایمی می وزید ،همه در سانن اسكله نشسته بوديم و منتظر حركت شناور بوديم من خيلي خوشحال بودم که در این هوای بد شناور حرکت می کنه دیگه فکر اینو نمی کردم زمانی که روی دریا هستم و هوا بدتر از این بشود ، باید چکار کنم . در همین افکار بودم که صدایی بلنددر سالن پیچید که مسافران هر چه سریعتر سوار لنج بشوند . من هم با شنیدن این صدا خوشحال همراه بقیه مسافران که تعدادمان بسیار اندك بود و حدود ٣٠ نفر مي شديم همكي به سمت لنج حركت كرديم وقتى از سالن خارج

شدیم ، باران نم نم شروع به باریدن کرده بود . هوا به شدت ابری بود و ابرهای سیاه باران زا آسمان رو پوشیده بودند . وقتی به دریا نگاه کردم موج های بسیار کوچکی روی هم تشكيل مى شد و خود را آرام به لنج مى كوبيدند اکثریت مردم با سوار شدن به لنج به قسمت بالای آن رفتند اما من چون سردم بود و به خاطر عادت همیشگی ام سوار قسمت

پایین لنج شدم و از آن پایین آسمان و مرغ های دریایی که دور و بر لنج پرو آز می کردند نگاه می کردم که در این لحظات لنج حرکت كرد و از اسكله فاصله گرفت. كم كم بارون شديدتر شدو قطرات اون با شدت به كف لنج مى كوبيدند.

من که نزدیک دیواره لنج نشسته بودم حسابی خیس شدم اما چون بارون رو دوست داشتم هموم جا نشستم و تكون

از این سمت لنج به آن سمت می رفتند. با دیدن اونا کمی نگران شدم و ایستادم و به بیرون لنج نگاه کردم تا ببینم این قدر هواخطرناک شده ،که متوجه چیزی بدتر در اون شناور هستم رو احساس می کردم .احساس بی وزنی شدم ، در انتها دریا مه غلیظی داشت به سمت ما می اومد و این یعنی خیلی بد . با این وجود دیگر لنج هیچ جارو نمى تونست ببيند . مه با سرعت باورنكردني به سمت لنج می اومد ، که در همین لحظه با شدتی که باد و بارون پیدا کرده بود مسافرانی که قسمت بالای لنج نشسته بودند به سمت پایین می اومدند ، زنان در حالی که نجواکنان احساس ترس و وحشت می کردند ، روی صندلی های خالی که در قسمت پایین لنج وجود داشت می نشسته ، همگی خیس خیس بودند . ده دقیقه از زمانی که مه لنج را فرا گرفته بود می گذشت ، استرس و اضطراب در چهره مسافران

> لنج با برخورد هر موج به سمت دریا سقوط می کرد . من که از این صحنه ها هیجان انگیز خوشم می اومد کم کم احساس ترس می کردم و مرگ و با تمام وجود احساس می کردم و دیگر مطمئن بودم روی این دریا،چه کسی ممکن است زنده بماند. وقتی به چهره خدمه لنج نگاه می کردم ،متوجه شدم که نجات پیدا کردن در این شرایط انگار غیر ممکن است و از صحبتاشون می شد فهمید که هیچگاه با چنین شرایط و اوضاع نامساعد جوى مواجه نشده بودند پس اگر واقعه اين وضعيت خطرناك بود چرا گذاشته اند لنج حرکت کند ، با همه این تفاسیر مگر نه اینکه اینها مراکز هواشناسی دارند و می توانند این شرایط را پیش بینی کنند ،پس چرا حالا ما با چنین شرایطی مواجه



نمی شد گفت داره توی مسیر خودش حرکت می کند یا نه . مه حتی

به داخل لنج هم آمده بود . صدای گریه زنان و بچه ها رو می شنیدم

و هر لحظه ترسم بیشتر می شد . با هر ضربه موج خودمو دو دستی

به صندلی چسبونده بودم، هیچ کس حرکت نمی کرد ، همه روی

صندلیها شون نشسته بودند و زیر لب دعا می خوندن و صلوات

مى فرستادند . من با خودم گفتم: خدايا غلط كردم ، ديگه اين

خدایا خواهش می کنم شرایط هوا بهتر بشه و باد بارون قطع

بشه و مه ازبین بره . که در همین اوضاع صدای موتور قایقی

به گوش رسید همه متعجب ،از حرکت قایق ، در این شرایط

شدند . با اینکه جایی رو نمی دیدند می خواستند سرک بکشند و

ببینند می تونند این قایق رو ببینند یا نه. هر لحظه صدای نزدیک تر

شدن قایق به گوش می رسید ، چهره تمام خدمه و کارکنان

موج لنج به طرف دریا سقوط می کردیم که یکی از خدمه گفت

ریخت باورم نمی شد مرگ به خواد اینقدر به آدم نزدیک باشد

خدایا فقط به ما اصابت نکنه . با گفتن این جمله دلم هوری

دیگه صدای قایق اینقدر واضح بود که داشتم کم کم به حرف

نوک قایقی وارد لنج شد و همه به آن طرف لنج پرتاب شدیم

چه درسی از زینب کربلا آموخته

تاریخ نشسته اند ونظاره گر

خون جوان وگرم فرزندانشان

تقل نماییم نسلهایی که هنوز چیزی از

روزهای خون وگلوله نمی دانند واز ارزشهای ماندگار وتصاویر شهدا کمتر شنیده و

نسلهای بعد باید بدانند و آگاه باشند رفاه و امنیت

ولحظات خوش مأندگار يادگار هزاران رادمرد

واسطوره است که امروز کتابهای تاریخ در هر

برگه اش رازی از مبارزه وشجاعت مردان آسمانی

شكوه انقلابند انقلابي كه

آنرا بیمه کرد

اند که اینگونه زینب وار

وحسين گونه بربلنداي

در همین گیردار نزدیک شدن قایق به لنج بودیم ،و با هر

لنج مضطرب ترنشان مي داد .

همه هیجان رو نمی خوام فقط می خوام به مقصد برسم

می شدند که لنج تا لبه به سمت دریا کشیده شود . بیشتر مسافران زن لنج کم کم ترس و وحشت در چهرشون مشخص بود اما من بیشتر خوشحال بودم تا اینکه بترسم ، چون این هیجان رادوست داشتم که همون لحظه چند نفر از خدمه لنج نگران لنج با برخورد هر موج

> به سمت دریا سقوط می کرد. من که از این صحنه ها هیجان انگیز خوشم می او مد کم کم احساس ترس می کردم و مرگ و با تمام وجود احساس می کردم و دیگر مطمئن بودم روی این دریا، چه کسی ممکن است زنده بماند

و آب دریا بود که با فواره وارد لنج می شد من که سرم به صندلی خورده بود و کف لنج افتاده بودم مزه شور آب دریا و اینکه

> خدايا فقط به ما اصابت نكنه. که داشتم کم کم به حرف آن خدمه می رسیدم که شی محكم به بدنه لنج خورد

لنج با تمام قدرت موج ها به هر سویی کشیده می شد و دقیقاً و رها شدن می کنم ، اطرافمو نگاه می کنم انگار روی صندلی نشسته ام و با سرعت زیادی به سمت آسمان بالا می رم ، زیر پام تا چشم کار می کنه دریا رو می بینم ، به آسمون بالای سرم نگاه می کنم ،در انتهای دوردست کوههایی بسیار زیبا که قله آنها را برف پوشیده رو می بینم ، وقتی بیشتر دقت می کنم ، نمى دونم اين صندلي كه قابل روئيت نيست اما من احساسش می کنم ، چیه که منو به سمت بالا می بره ، دو دست که یکی شانه أم رو گرفته و یکی دستمو ، منو به سمت اون كوههايي كه در بالاي آسمون هست ، هدايت مي كنه ، وحشت مى كنم ، نكنه من مردم ، باورم نمى شه ، تو رو خد ا يكى به من بگه من خوابم و این حقیقت نداره ، کاش یکی منو از خواب بیدارکنه ،چه خواب وحشتناکی رو دارم می بینم . خدایا تورو خدا به هر كي دوستش داري ، من كه نمردم !مردم؟ اما من آمادگی شو ندارم ، تورو خدا صبر کن ، پس لااقل بهم شون بده خواب نیستم و مردم چون باورم نمی شه چه اتفاقی

حرکت می کنم و در یک چشم بهم زدن پاهامو روی زمین عده زیادی گریه می کنند ، در همین لحظه یکی از راه میرسه و می گه ببخشید اسامی غرق شدگان لنج رو کجا زدند ، آقایی اشاره به شیشه می کند که کاغذی روی آن نصب شده و

تا من جلو برم هیچ کس محلی بهم نمی زاره ، انگار من وجود خارجی ندارم ، بدون اینکه بخوام کمی پاهام از زمین فاصله می گیرند و کاغذ و می تونم از دور بخونم . اسامی رو یکی یکی آن خدمه می رسیدم که شی محکم به بدنه لنج خورد و میخونمتا به اسمخودم می رسم.

## [فروغ مسلم زاده]

بوی اسپند وعود عطر چفیه های کربلایی وآسمانی فرزندان برومند هرمزگان را درسالهای

چه درسی از زینب کربلا آموخته اند که اینگونه

سلام برشبهای منور وحمله سلام برنوای خوش

مرغان خوش الحان انقلاب كه بارسفربستند ويك

# مشاور املاك مهاجران

شكسته رهيدندو رهاشدند.

سلام برشبهای خاکریز وجزع فزع های عاشقانه

نوجوانان متعهد ، سلام برمناجات ورازونياز مردان

نیمه شب وشیردلان سرزمین شقایقهای سرخ

شهادت. شلمچه وهویزه - طلاییه ودهلاویه

این روزها با خاطرات خوش گذشته شب را سحر

-914461464



# دم همه را جا گذاشتند و یکه و تنها ازاین زندان می کنند و هنوز ناله های الغوث الغوث بچه ها را نهفته است. فریادهای خفته درحنجره آزادمردان تاریخ را

می شنوند که هر شب بر فراز خاکریزهای به جا مانده ورملهای تفتیده سرود عاشقی

سلامی بر داعیم داران "ایثار و شهادت

، اینک انقلاب این امانت گرانقدر فرزندان ایران اسلامی دردستان من وِشماست، من و تویی که باید میراث فرزندان از جان گذشته هرمزگان را به نسلهای

یکجا جمع می کنیم وبه یاد تمامی عروج کنندگان وسفركردگان فرياد برمي آوريم كه ما وارتان انقلاب وطلایه داران برادارن وپدرانی هستیم که هرگز طعم خوش زندگی را نچشیدند ورضای حق را

# مشاورين املاك

مشاور در خرید و فروش /رهن /اجاره /پیش فروش آپارتمان/ویلایی/زمین

بندرعباس :خيابان فلسطين جنب بستى فروشى ناب

با گفتن این جمله دلم هوری ریخت باورم نمی شد مرگ بخواد اینقدر به آدم نزدیك باشد. دیگه صدای قایق اینقدر واضح بود

یه جوری گیجم. که ناگهان صندلی بین هوا و دریا می ایسته و من با سرعت باورنکردنی از روی صندلی به روی زمین احساس می کنم ، دور و برم و نگاه که می کنم می بینم توی اسكله هستم ، همه مردم كنار دريا جمع شدن و به دريا زل زدند . تعدادی از مردم اطرافش ایستاده بودند و به دنبال نشانی از

من وحشت زده به سمت شیشه می رم به هر کی می گم راه بدید

قرآن صفای سینه هاست

به نام خداوندی که سجده می کند برایش خورشید

به نام خداوندی که سجده می کند برایش مهتاب

به نام خداوندی که سجده می کند برایش قطرات باران

قرآنی که خداوند بزرگ آن را ستود ، قرآن تو عظیمی ، قرآن

تو هدایتگری، قرآن تو انسان سازی ،قرآن تو کامل ترینی ،

تو عطر خون حسين پسر فاطمه اي ، تو عطر خون على بن

ابی طالب در محراب کوفه ای ای زهرای اطهر که برجبر و

امروز، شاهد باش! از بقيع شاهد باش! دردآشنا قامت

که اکنون قرآن این کتاب آسمانی پس از ۱٤۰۰ سال هنوز زنده

پاينده است احمد ، حامد، فاتح ، محمود "قل اعوذبرب الناس" بگو

پناه می برم به خدایی که پروردگار آدمیان است "الله اکبر"خدا

بزرگتر از هر چندو هر کس . بخوان رسول من "خواندن

"ادعوني استجب لكم" بخوانيد مرا تا اجابت كنم شما را

"فاذاقراً القرآن فأستمعوله وانصتولعلكم ترحون "هن كامي كه

قرآنِ خوانده می شود گوش فرا دهید شاید مورد رحمت خدآوند

قرآن که می خوانم دلم از غصه خالی می شود باغ دلم گل

نمى دانم " "اقرا بسم ربك الذي خلق"

می دهد همرنگ شادی می شود

آموزشگاه

آزادهنری نگارستان

گنجینه مهرو وفاست

[ىندرلنگە فاطمە ىلوكى]

همه شلمچه مشهد شهدا را می شناسیم ویا حداقل نامش را بسیار شنیده ایم ، اگر هم نشنیده ایم از بازماندگان سالهای حماسه وایثار سخنان زیادی در وصف رشادت دليرمردان آن شنيده ايم. شلمچه سرزمین عشق وعشقبازیهای پیدا و پنهان فرزندان عاشق این مرز وبوم بود ، فرزندانی که هرگز لحظه ای درنگ نکرده و بی محابا پا دررکاب جهاد نهادند. غروب پنجشنبه ها گلزار شهدا، خانه ابدی وآرامگاه عاشقان امام وانقلاب حال وهوایی دارد تماشایی ، شنیدنی و بوییدنی .

شصت تداعی می کند، بوی مغازله های غمگین ومحزون، بوی عبور بچه ها از کنار چادرمشکی مادر وعصای رنگ ورورفته پدر، قامت خمیده ودستان چروكيده ولرزان پدران ومادران داغديده واستوارگونه آدمی را میخکوب می کند: خدایا! براستى اكسير كدامين واژه صبر واستقامت را سینه هاشان ریخته ای که اینچنین محکم قوی در كنار منزلگه يارشان،عزيز وجگرگوشه شان می نشینند وخیره خیره عکس حک شده برسنگ سیاه را می نگرند و زیرلب زمزمه هایی عاشقانه

زينب وار وحسين گونه بربلندای تاريخ نشسته أند ونظاره گرشكوه انقلابند انقلابي كه خون جوان وگرم فرزندانشان آنرا بیمه کرد. سلامی بلند برمردان خمپاره وگلوله بر مردان نی زارهای فاو ومجنون وسلامي بررايكاها وداراها، سلامي برروح اهورايي رییسی ها و درویشی ها و صدها عزیز سفرکرده از خاک هرمزگان .

# خرید-فروش-رهن و اجاره

تلفن: ۶۶۸۰۴۱۴-۱۱۷۷۶۹۲۲۸۹ بامدیریت آهوزری و گلخ

تلفن: ۳۳۴۲۶۳۴-۳۳۴۷۳۲۰/همراه : ۹۱۷۳۶۱۸۶۸۹

🗸 با مجوز رسمی از وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی 🗸 طراحي -نقاشي- خوشنويسي - موسيقي

تلفن: ۲۲۲۷۵۳۵ مندرعباس: چهارراه فاطمیه / جنب بانك صنعت و معدن/مجتمع تجارى سپیدار - طبقه اول



که ۹۶۹۶ به صورت شبانه روزی، آماده دریافت اخبار مردم هرمزگان پیرامون آتش سوزی، قطع درخت و تخریب و تصرف اراضی ملی است

روابط عمومی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری هرمزگان